۲ دلیل مهم برای دوست داشتن فوتبال

بازگشت اسطوره‌ها به خانه

بابک سرانی‌آذر
مترجم

برگشتن یک قهرمان به خانه همیشه باشکوه است، در دنیای فوتبال حرفه‌ای خاطرات ناشی از این بازگشت‌های باشکوه زیاد نیست اما می‌شود آنها را یک کتاب کرد و اسمش را گذاشت: «بازگشت بزرگان.»

اینجا دیگر ماجرا، تحت مالکیت هواداران چلسی نیست که از بازگشت لمپارد خوشحال باشند، اینجا پای فوتبال به میان می‌آید و اهالی فوتبال از بازگشت یک قهرمان مردمی لذت می‌برند، قهرمانی که در زمان بازیگری خود فوق‌العاده بود، اخلاق را محور بازی خود می‌دانست و البته به‌رغم فراز و نشیبی که داشت درنهایت به‌عنوان یک بازیکن موفق و دوست داشتنی از دنیای بازیگری خداحافظی کرد. این روزها برزخی بین خداحافظی رسانه‌ای و خداحافظی رسمی در دنیای فوتبال حرفه‌ای به وجود آمده است، برزخی به نام چین، امارات، گاهی شاید آمریکای جنوبی و حتی باشگاه‌هایی در آمریکا اما این هم حدی دارد و بزرگانی مثل دل پیه‌رو، توتی، اینیستا، خود لمپارد و شاید بوفون حق ندارند برای مدت زمان طولانی در این برزخ بمانند و باید پاسخگوی احساسات هواداران خود نیز باشند. بوفون برای حضور در پاریس، نه‌تنها مردم ایتالیا بلکه هواداران خود را در تمام جهان نگران کرده بود. خودش هم متوجه شده بود که دیگر بس است و حالا زمان تصمیم‌گیری است، یک خداحافظی رسمی یا یک سال دیگر درخشش در لباس بانوی پیر و جی‌جی، سرانجام دومی را انتخاب و هدیه‌ای تاریخی به دنیای فوتبال تقدیم کرد.

عدم درخشش یک ستاره

بوفون سال گذشته پس از ۱۷ سال درخشش در لباس تیم اول تورین، ساز جدایی خود را کوک کرد و به پیشنهاد قابل توجه تیم قطری پاری‌سن‌ژرمن پاسخ مثبت داد اما ستاره‌ها در فوتبال همیشه در حال درخشش نیستند، گردی توپ است یا بی‌رحمی فوتبال چندان روشن نیست اما لوشامپیونه برای جی‌جی، چندان خوش‌یمن نبود و او به همراه ابرستارگان دیگر تیم اول پاریس هر چند در فرانسه به اوج رسید اما در اروپا در چندمین تجربه ناکامی پاریسی‌ها شریک بود. قهرمانی در فرانسه هم چندان به چشم فوتبال جهان نمی‌آید، در واقع گویا چندان مهم نیست، کنار زدن رقبایی مثل لیل، مارسی یا لیون برای تیمی که ثروتش به نفت قطر متصل شده و مربی بزرگی مثل توخل دارد، کار عجیب و غریبی نیست. بوفون قدرت تحمل این ناکامی را نداشت و در حالی که زمزمه خداحافظی او برای همیشه به گوش می‌رسید، بار دیگر به تورین بازگشت و در لباس یک قهرمان خود را برای درخشش در یک فصل دیگر از کالچو آماده کرد. مردی که ۱۸ سال پیش از پارما به تورین، تست پزشکی - ورزشی داده بود و دروازه یوونتوس را فتح کرد، حالا در این سن بار دیگر با لبخندی آرامش بخش وارد کلینیک تورین شد و آزمایش پزشکی و سلامت خود را با موفقیت کامل پشت سر گذاشت. بوفون به جای بزرگ‌ترین نویسندگان ورزشی حق مطلب را در صفحه توئیتر خود ادا کرد و نوشت: از اینکه به خانه برگشته‌ام بسیار خوشحالم، امروز روز بسیار با ارزشی برای من است، حالا مطمئن شدم که زندگی فوق‌العاده است و ارزش آن را دارد که برایش همچنان رویاپردازی کنم.

فرانکی این بار در لباس مربی

فرانک لمپارد، جانشین مائوریتزیو ساری شد. خبر به همین اندازه کوتاه و درنهایت تصور، دوست داشتنی و خوب بود. این نه‌فقط برای هواداران چلسی بلکه برای هواداران دنیای فوتبال نیز خبری خوش محسوب می‌شد. لمپارد بازگشته و خود را برای محکی جدی در لیگ برتر فوتبال جزیره آماده می‌کند. او در شرایطی لباس سرمربیگری چلسی را بر تن کرده که هواداران این تیم از افت و خیز چلسی خسته هستند و دوست ندارند یک فصل دیگر را با همین بالا و پایین‌ها، تحمل کنند. چلسی شاید با کمی مسامحه، به‌طور جدی لایق یک قهرمانی بزرگ و تاریخی باشد. لمپارد در جمع هواداران تیم فوتبال باشگاه چلسی گفت: «افتخار می‌کنم که سرمربی چلسی هستم و همه مطمئن هستند که با همه عشق و علاقه خود برای موفقیت چلسی تلاش خواهم کرد.» فرانکی کار بسیار سختی را در پیش خواهد داشت، چلسی در خرید و فروش بازیکن تا پایان زمستان ۲۰۱۹ محروم است و البته ادن هازارد را نیز از دست داده است، اکنون لمپارد نه با دست خالی اما با تیمی زخمی و ناامید فصل را شروع خواهد کرد.

دی‌یونگ: بارسا رویای کودکی‌ام بود

دی‌یونگ، هافبک هلندی ۲۲ ساله آژاکس که فصل گذشته یکی از برترین هافبک‌های لیگ قهرمانان اروپا بود سرانجام به‌طور رسمی به آبی اناری‌ها پیوست. قرارداد دی‌یونگ با بارسا پنج ساله به ارزش ۸۶ میلیون یورو خواهد بود. او در مصاحبه‌ای با سایت رسمی بارسلوناگفت: «خیلی خوشحال هستم از اینکه بالاخره به صورت رسمی بازیکن بارسا شدم. حضور در اینجا رویای کودکی من بود. منتظرم که برای اولین بار روی زمین نیوکمپ پا بگذارم. خیلی خوشحالم که همبازی مسی خواهم بود، کسی که همیشه دنبالش کرده‌ام. الگوی بزرگ من حالا هم تیمی‌ام خواهد شد. سبک بازی بارسا را دوست دارم. فلسفه فوتبال بارسا به آژاکس خیلی شبیه است و فکر می‌کنم از بازی در اینجا لذت خواهم برد.» صفحه شخصی آژاکس بعد از این انتقال نوشت: «بارسا از آینده لذت ببر، همان‌طور که ما لذت بردیم.»

پوگبا در دوراهی یووه - رئال

پل پوگبا، ستاره فرانسوی منچستریوناتید که از یوونتوس با قرارداد نجومی ۱۱۰ میلیون یورویی به مدت پنج فصل به شیاطین سرخ پیوست بعد از روزهای پرحاشیه در منچستر خواهان خروج از باشگاه است و شاید به تیم سابقش برگردد. البته یکی دیگر از مقصدهای احتمالی او رئال مادرید است. شیاطین سرخ روی آن برچسب ۱۵۰ میلیون پوندی زده‌اند. «ال چیرینگیتو» اسپانیا نوشت: «پوگبا هفته آینده رئالی خواهد شد.» «یوگونس» نیز اعلام کرد: «پوگبا به هم تیمی‌هایش در یونایتد گفته است، آرزوی بازی کردن زیر نظر زیدان را دارد.» «اسکای» ایتالیا نیز خبر داد که تعلل یوونتوسی‌ها برای پرداخت بند فسخ قرارداد او باعث شد حالا پوگبا به رئال نزدیک‌تر باشد. حال باید دید سرانجام پوگبا مسیر رفت و برگشت تورین - منچستر را دوباره تکرار خواهد کرد یا به مادرید خواهد رفت.

مگوایر و ۳ پیشنهاد انگلیسی

هری مگوایر، مدافع ۲۶ ساله و ملی‌پوش لستریتی از منچسترسیتی پیشنهاد دریافت کرده و پپ او را به‌عنوان جانشین ویسنت کمپانی، کاپیتان اسبق بلژیکی خود مدنظر دارد. پیشنهاد آنها ۶۰ میلیون یورو بوده است. سولسشر نیز برای ترمیم وضعیت دفاعی ضعیف خود به سراغ او رفته است. مدیران یونایتد اولین پیشنهاد رسمی‌شان را به ارزش ۷۰ میلیون یورو به دست باشگاه لستر رساندند که با مخالفت آنها همراه شد. آرسنال هم این بازیکن را می‌خواهد اما شانس توپچی‌ها برای خرید او چندان زیاد نیست چراکه پیشنهاد سران آرسنال تنها ۴۰ میلیون یورو بوده و طبعا سران لستر با این رقم نیز موافقت نخواهند کرد! «اسکای» در این خصوص مدعی شد مگوایر در خواست خروج خود را به مدیران لستر ارائه داده است. با این تفاسیر یونایتد محتمل‌ترین گزینه انتخابی او خواهد بود.

برای مهدی شادمانی

امروز نه برادر! امروز نه!

هومن جعفری
روزنامه‌نگار

جایی وسط‌های فصل آخر سریال بازی تاج و تخت، بانوی سرخ به آریا استارک می‌گوید: «به‌خدای مرگ چه می‌گوییم؟» و پاسخ می‌شنود که «امروز نه!» این «امروز نه» را احتمالا از روی زندگی مهدی شادمانی برداشته‌اند. کسی که مدت‌هاست هر روز به خدای مرگ همین جمله را می‌گوید و بار رنج همیشگی را روی دوش خود می‌کشد. برای من و شما آسان است که از این «امروز نه»ها افسانه بسازیم تا بتوانیم رنج خود را از مواجهه با مرگ پنهان کنیم اما برای مهدی شادمانی هر کدام از این «امروز»ها، همراه بوده با درد فراوان و زجر دهنده، تلخی بی‌پایان غصه‌هایی که تمام نمی‌شوند و نگرانی همیشگی از بابت غم امروز و فردا. غم قرص و آمپول و دکتر و امکانات پزشکی و آینده که آخ از آینده که وای از آینده که دریغا و درد از آینده‌ای که نمی‌دانیم کی می‌آید و چطور می‌آید و اگر آمد چه باید کرد و چگونه باید به سمتش رفت.

III

بیشترین اخت شدن من و مهدی با هم مربوط به غیرکار بود. هیچ‌وقت جزء حلقه رفقای نزدیک و همکاران دائمی‌اش نبودم. آدم‌های زیادی هستند که در رفاقت با او از من جلوترند. ما دوتا البته رابطه خودمان را داریم. بیشتر او برایم مرشد بوده و من نیز از این بچه مرشدهای تنبل. او سرشار از زندگی و من محو معمای مرگ. او مشغول به زندگی و من مشغول به روزمرگی. او پر از فرزانگی و من هنوز اندر خم یک کوچه. همین است که دلم می‌خواهد پیشش باشم تا یک بار نقش بانوی سرخ را بازی کنم و یادش بیندازم که باید به خدای مرگ چه بگوید. این هم البته طعنه تلخی است چون بین ما دوتا او قرمز است و من آبی!

III

روزی که مهدی شادمانی از خودش عکسی در اینستاگرام منتشر کرد که موهایش را زده، به آرایشگاهی رفتم و موهایم را از ته زدم و عکسم را برایش فرستادم. متنی نوشته بودم در اینستاگرام که «داش مهدی ما به‌خاطر گرم شدن هوا موهایش را مدل تابستانی زده و من هم چون هوا گرم است همین کار را می‌کنم.» چه کیفی کرد و چقدر خوشحال شد وقتی عکس را دید. چقدر گرم‌تر شد رابطه ما بعد از آن شبه فردین بازی آبکی من و حتی یک بار هم به خانه‌اش رفتم. مدت‌ها قبل‌تر باید می‌رفتم و نشد و یک بار تصمیم گرفتم سری به او بزنم که زدم. خودش را دیدم و فرزند کوچکش را. دختر بزرگش مدرسه بود و همسرش هم در خانه عاشقانه از او پذیرایی می‌کرد. نشستیم و گپی زدیم و کمی چرت و پرت گفتیم و خندیدیم و بعد من بزرگ‌ترین اشتباه ممکن را مرتکب شدم و به پایش دست زدم. فقط در حد لمس. نفسش برید. باور نمی‌کردم اما رنگش سیاه شد. آنقدر ترسیده بودم که می‌خواستم همسرش را صدا کنم اما اشاره کرد که صدایش را در نیاورم. دقیقا دست گذاشته بودم روی جایی که نباید. روی همان جایی که مرکز و کانون درد بود. تمام وجودم سرشار شد از تاسف و شرمندگی و او تمام جان نداشته‌اش را خرج کرد تا لبخندی بی‌رمق روی لب‌هایش ظاهر کند و بگوید: «بی‌خیال! چیز مهمی نیست. یک لحظه نفسم رفت. خوب می‌شوم!»

لازم به ذکر نیست که از خجالت آب شدم.

III

ببخشید اما این احتمالا یکی از سخت‌ترین مطالبی است که در تمام زندگی نوشته‌ام. اصلا نمی‌دانم در حال نوشتن چه چیزی هستم و به کدام سمت پیش می‌روم. برایم مشخص است که این سطرها بی‌هدف پیش می‌روند. نوشتن از مهدی شادمانی سخت‌ترین کار دنیاست چون در قالب این کیبوردها جانمی‌شود. نمی‌توانم روی هر کدام از این کلیدهای کیبورد ضربه‌ای وارد کنم بی‌آنکه یاد آن لمس لعنتی بیفتم و آن درد جانکاهی که ناخواسته به او تحمیل کردم. شاید بهترین پایان برای این مطلب همان شروعی باشد که در ابتدا به آن پناه بردم. در این لحظه‌های حیاتی و حساس کنارش نیستم که دستش را بگیرم اما از همین‌جا و از طریق همین سطرها یادش می‌آورم که باید به خدای مرگ چه بگوید؛ امروز نه مهدی عزیز. امروز اصلا نه!

هشتگ فوتبال

خداحافظ، غیرقابل مهارترین بازیکن قابل پیش‌بینی دنیا!

نوید استاد رحیمی
روزنامه‌نگار

توپ را به بهترین شکل ممکن کنترل می‌کرد. با گام‌های ریز ولی به‌شدت سریعش، توپ را از سمت راست به حرکت در می‌آورد. مدافعان حریف و بازیکنان خودی از هدف او خبر داشتند و می‌دانستند که می‌خواهد چه کار کند. او توپ را به عرض می‌برد، با تغییر مسیرهای مداوم حریف را از پا می‌انداخت و درنهایت با یک شوت سهمگین پای چپ، تور دروازه حریف را به انقیاد خود در می‌آورد. این بازیکن کسی نبود جز آرین روبن. خیلی‌ها منتظر بودند که او بعد از ترک بایرن مونیخ چه تیمی را برای فصل آینده انتخاب می‌کند. پیش‌بینی‌ها این بود که به هلند بر می‌گردد تا یکی دو سال آخر فوتبال خود را در سرزمین پدری خود سپری کند ولی او کاری را انجام داد که هیچ‌کس توقعش را نداشت؛ خداحافظی. «من در چند هفته اخیر خیلی فکر کردم. همان‌طور که همه می‌دانند، بعد از آخرین بازی‌ام برای بایرن مونیخ، مدتی فرصت داشتم تا تصمیم آگاهانه‌ای در مورد آینده‌ام بگیرم و من تصمیم گرفتم به دوران حرفه‌ای‌ام به‌عنوان یک بازیکن پایان بدهم. تردیدی نیست که این سخت‌ترین تصمیمی بود که من در طول دوران حرفه‌ای‌ام گرفتم؛ تصمیمی که برای گرفتن آن، مغز و قلبم با هم تضاد داشتند.» آرین، فوتبالش را از خرونینخن شروع کرد. در این تیم و در اولین فصل حضورش بهترین بازیکن فصل شد. دو سال درخشش در لباس تیم زادگاهش او را راهی «پی اس وی» کرد. اولین قهرمانی دوران بازیگری‌اش را با این تیم به دست آورد و جوان اول سال فوتبال هلند شد. پیشنهادهای زیادی به سمت روبن سرازیر شد اما ترجیح داد به لیگ جزیره و باشگاه چلسی برود، تیمی که تازه به دست آبراموویچ افتاده بود. دو بار به همراه مورینیو قهرمان لیگ برتر شد و پس از یک دوره مصدومیت سخت با ۳۵ میلیون یورو به رئال مادرید پیوست. او تنها یکی از هلندی‌های ناکام رئال بود و در دو سال بازی یک جام دشت کرد و در ۵۰ بازی ۱۱ گل به ثمر رساند. آلمان، مقصد بعدی روبن بود. جایی که دیگر قرار نبود از آن خارج شود. پیراهن باواریایی‌ها را به تن کرد. در لباس قرمز این تیم به اوج رسید. انواع عناوین قهرمانی را مال خود کرد و گل قهرمانی تیمش در چمپیونزلیگ ۲۰۱۳ را به تور دروازه دورتموند چسباند؛ او سال بعد چهارمین فوتبالیست برتر جهان هم شد. روبن با ۹۶ بازی ملی و ۳۷ گل در ۶ تورنمنت مهم برای لاله‌های نارنجی توپ زد. هنوز هم خیلی‌ها باور نکرده‌اند که چطور ضربه او در فینال جام جهانی ۲۰۱۰ وارد دروازه اسپانیا نشد و کاسیاس آن را مهار کرد. با این حال او چهار سال بعد به بهترین شکل ممکن از ماتادورها و هم‌تیمی‌های سابقش در رئال انتقام گرفت ولی حسرت قهرمانی در عرصه ملی به دلش ماند. و حالا روبن بعد از ۱۹ سال به فوتبال خود پایان داد. جای او در سمت راست خط حمله بایرن خالی خواهد ماند.

یونیورسیاد ۲۰۱۹ ناپل

پورحسینی نخستین مدال آور کاروان ایران

نماینده تپانچه ۱۰ متر کشورمان ظهر دیروز راهی فینال سی‌امین دوره یونیورسیاد شد. در دومین روز از سی‌امین دوره یونیورسیاد در ناپل ایتالیا، مسابقات تیراندازی در تپانچه ۱۰ متر مردان و در استادیوم mostra برگزار شد. در این ماده سجاد پورحسینی در رقابت با ۳۲ تیرانداز در رده ششم ایستاد و فینالیست شد. دو نماینده از کره‌جنوبی، دو نماینده از چین‌تایپه و نمایندگان اسلونی، چین، ایران و ایتالیا راهی فینال شدند. او موفق شد در مرحله نهایی مسابقات به مدال برنز دست پیدا کند و نخستین مدال‌آور کاروان ایران در یونیورسیاد ۲۰۱۹ ناپل لقب بگیرد.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب هادی کریمخانی فرزند سبزعلی به شماره شناسنامه ۷۳۳۰ صادره از تهران در مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته رشته زبان و ادبیات فارسی صادره از واحد دانشگاهی کرج با شماره ۱۵۹۰۱۱۵۰۶۴۵۶ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به نشانی کرج، رجایی‌شهر، تقاطع بلوار شهید مودن و استقلال، مجتمع دانشگاهی امیرالمومنین ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب زیور میارنعیمی فرزند عقیل به شماره شناسنامه ۱۶۵۰ صادره از کلاردشت در مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته رشته زبان و ادبیات فارسی صادره از واحد دانشگاهی علوم و تحقیقات با شماره ۱۷۸۸۱۲۳۰۰۸۴۵ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات به نشانی تهران، انتهای بزرگراه شهیدستاری، میدان دانشگاه، بلوار شهدای حصارک ارسال نماید.

کارت هوشمند به شماره ۲۸۳۲۰۴۳ و شماره بیمه ۶۹۹-۷۵۵۶۰۷۶۰ و تاریخ اعتبار ۱۳۹۸/۵/۲ به نام محمد شاه‌نظری مفقود گردیده است و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب احمد جهانگیری فرزند حسین به شماره شناسنامه ۳۶۳ صادره از تهران در مقطع کارشناسی پیوسته رشته علوم سیاسی صادره از واحد دانشگاهی کرج با شماره ۸/۵۵۷۴۸-ج مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به نشانی کرج، رجایی‌شهر، تقاطع بلوار شهید مودن و استقلال، مجتمع دانشگاهی امیرالمومنین ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی (گواهی موقت) اینجانب علیرضا نجارپورچترودی فرزند محمود به ش. ش ۴۸۸ در رشته مدیریت صنعتی در مقطع کارشناسی پیوسته صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهینامه مذکور را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان به آدرس ذیل ارسال نماید. کرمان - بلوار امام علی (ع) - دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب دانیال بهلولی فرزند محمدرضا به شماره شناسنامه ۱۲۷۲۳۰۸۲۲۷ صادره از اصفهان در مقطع کارشناسی ناپیوسته رشته تحصیلی حسابداری صادره از واحد دانشگاهی دورود با شماره ۱۲۵۲۹ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود به نشانی دورود- لرستان- ضلع غربی میدان حضرت ابوالفضل (ع)- مجتمع دانشگاهی واحد دورود- اداره امور فارغ‌التحصیلان کد پستی ۶۸۸۱۶۹۹۷۶۹ ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب معصومه شفیعی فرزند پولاد به شماره شناسنامه ۴۸۵۹۶۹۳۵۳۱ صادره از پلدختر در مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته رشته تحصیلی مهندسی کامپیوتر- نرم‌افزار صادره از واحد دانشگاهی دورود با شماره ۱۲۳۶۸ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود به نشانی دورود- لرستان- ضلع غربی میدان حضرت ابوالفضل (ع)- مجتمع دانشگاهی واحد دورود- اداره امور فارغ‌التحصیلان کد پستی ۶۸۸۱۶۹۹۷۶۹ ارسال نماید.

اصل گواهی موقت اینجانب مرتضی قدیمیان فرزند ارشدعلی به کد ملی ۱۵۳۴۱۲۶۲۲۸ رشته عمران مقطع کارشناسی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهینامه مذکور را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه به آدرس: (ساوه - کیلومتر ۴ جاده نورعلی‌بیک- شهرک دانشگاهی خاتم‌الانبیا(ص)- دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه- اداره فارغ‌التحصیلان) ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب سیدحسین وحیدعرب فرزند سیداحمد به شماره ملی ۰۳۲۳۱۳۷۴۳۱ صادره از کرج در مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی صادره از دانشگاه پیام نور مرکز کرج با شماره ۵۶۴ت/۳۱/۰۱ گ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه پیام نور مرکز کرج به نشانی کرج، رجایی‌شهر، بلوار شهید مودن، بلوار شهید کمالی واحد کرج به نشانی کرج، رجایی‌شهر، تقاطع بلوار شهید مودن و استقلال، مجتمع دانشگاهی امیرالمومنین ارسال نماید.

اصل گواهی موقت اینجانب وحید حیدری فرزند جعفر به کد ملی ۰۵۹۰۱۲۱۳۲۴ رشته عمران مقطع کارشناسی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهینامه مذکور را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه به آدرس: (ساوه - کیلومتر ۴ جاده نورعلی‌بیک- شهرک دانشگاهی خاتم‌الانبیا(ص)- دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه- اداره فارغ‌التحصیلان) ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب بتیسا کامران فرزند محمد به شماره شناسنامه ۳۱۵ صادره از دزفول در مقطع کارشناسی پیوسته رشته پرستاری صادره از واحد دانشگاهی کرج با شماره ۱۶۷۳۱۱۵۰۰۰۶۰ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به نشانی کرج، رجایی‌شهر، تقاطع بلوار شهید مودن و استقلال، مجتمع دانشگاهی امیرالمومنین ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی (دانشنامه) اینجانب عاطفه فولادی فرزند قاسم به ش.ش ۶۸ در رشته زیست‌شناسی سلولی و مولکولی میکروبیولوژی در مقطع کارشناسی پیوسته صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهینامه مذکور را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان به آدرس ذیل ارسال نماید.

کرمان- بلوار امام علی(ع)- دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان

پلاک خودرو سواری سیستم: پراید تیپ: جی‌تی‌ایکس‌آی رنگ: نقره‌ای- متالیک مدل: ۱۳۸۹ به شماره انتظامی ایران ۵۲۹/۵۵ و ۱۴ شماره موتور: ۳۲۵۷۳۴۴ شماره شاسی: s۱۴۱۲۲۸۸۳۹۸۳۷۴ به مالکیت آقای حمید سعیدی به کد ملی ۶۰۸۹۸۹۲۷۴۲ مفقود گردیده است و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.